

## تظاهرات ۳ میلیونی کارگران ایتالیا



### شکست سیاست‌های

### شارون قطعی‌ست

فردای روزی که سران دولت‌های عرب در اجلاس بیروت، طرح صلح خود را با اسرائیل تصویب و اعلام نمودند، شارون نخست وزیر اسرائیل، با یک رشته تعرضات نظامی به مردم فلسطین و سرزمین‌های فلسطینی به این طرح صلح پاسخ داد. نیروهای نظامی اسرائیل صبح روز جمعه ۹ فروردین با یک حمله گسترده به مناطق فلسطینی نشین واشغال کامل رام‌الله، عملاً حکومت خودمختار فلسطینی را به رهبری عرفات برکنار کرد و خود وی را نیز در زیر زمین دفترکارش محبوس نمود. رژیم صهیونیست و نژادپرست اسرائیل برای پیشبرد سیاست‌های توسعه طلبانه و سرکوبگرانه خود، ۲۰ هزارتن از نیروهای ذخیره رابه خدمت فراخواند و به ارتش دستور داد تا اهداف شارون را کاملاً عملی سازد. در جریان این حملات نظامی، دهها تن از مردم تحت ستم فلسطین به قتل رسیدند و صدها تن در نتیجه گلوله باران‌های سربازان اسرائیلی زخمی شدند. این اقدامات وحشیانه رژیم صهیونیست و نژاد پرست اسرائیل که از حمایت همه جانبه امپریاللیسم آمریکا نیز برخوردار است، نفرت و انزجار مردم را در سراسر جهان علیه این دد منشی‌ها برانگیخته و در همه جا با مردم تحت ستم فلسطین ابرازهمبستگی می‌شود. کسی نمیتواند برخود نام انسان بگذارد و این کشتاروحشیانه مردم فلسطین را که روزانه دهها و صدها تن از آنها توسط ارتش مزدور و نژاد پرست اسرائیل به قتل می‌رسند نادیده بگیرد. از همین روست که موج اعتراض جهانی توده‌های زحمتکش و مردم مترقی علیه این وحشی‌گری درچند روز گذشته ابعاد وسیعی به خود گرفته و درهمه جا شاهد تظاهرات اعتراضات مردمی هستیم که می‌خواهند این نسل‌کشی را متوقف کنند. گذشته از مقاومت برحق مردم فلسطین، این واقعیت نیز نشان می‌دهد که رژیم اسرائیل نخواهد توانست یک ملت را به بند بکشد و نابود کند و در تحقق اهداف خود با شکست روبروخواهد شد. ببینیم هدف از اقدامات اخیرنظامی اسرائیل چیست؟ شارون نخست وزیر اسرائیل وابسته به آن گروه از هیئت حاکمه نژاد پرست اسرائیل است که مطلقاً حقی برای مردم فلسطین قائل نیست و

### مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۰)

جمهوری حدود یک میلیون رای کسب کرد و حمایت یک سوم اعضای فدراسیون کارگری آمریکا (AFL) را جلب نمود. حزب سوسیالیست همچنین در سازمان "کارگران صنعتی جهان" نقش موثری ایفا نمود. برای درک نحوه برخورد این حزب به زنان کارگر، نخست باید نگرش این حزب را نسبت به اتحادیه‌های کارگری مورد بررسی قرار داد.

"دانیل-د-لئون"، رهبرحزب کوچک‌وسکنتار - یست، سوسیالیست‌کارگری چنین استدلال می‌کرد: "حزب باید بر اتحادیه‌های کارگری

صفحه ۳

پس از آشنائی با انجمن اتحادیه کارگری زنان آمریکا از کتاب "مبارزه طبقاتی و رهائی زن" ترجمه بخش بعدی آن پیرامون حزب سوسیالیست آمریکا را می‌خوانیم.

\*\*\*\*\*

حزب سوسیالیست،  
گیج، مبهم و آشفته

حزب سوسیالیست در اوج قدرت خود بیش از ۱۵۰،۰۰۰ عضو داشت، صدها روزنامه منتشر می‌کرد، درجریان انتخابات ریاست

### در این شماره

۸ اعتراضات جهانی به کشتار فلسطینیان توسط دولت اسرائیل

۲ اخباری از ایران

۴ اخبار کارگری جهان

۵ ستون مباحثات: انشعاب در تحکیم وحدت

صفحه ۲

## اخباری از ایران

در جریان این اقدام اعتراضی چند تن از کارگران مورد ضرب و شتم نیروهای سرکوب - گر انتظامی قرار گرفتند.

### \* تجمع اعتراضی کارگران نازنخ

جمع زیادی از کارگران شرکت نازنخ قزوین، بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۶ اسفند، با تجمع در حاشیه جاده ترانزیتی تهران - قزوین، دست به اعتراض زدند و خواستار رسیدگی و حل مشکلات خود شدند.

### \* اعتراض کارگران لامپ الوند

۲۹۳ کارگر شاغل در شرکت لامپ الوند، بیش از شش ماه است حقوق نگرفته اند. در ادامه تشدید فشار بر کارگران، مدیریت شرکت ۱۳۳ نفر از کارگران را به اجبار باز خرید نموده و حقوق و مزایای سایر کارگران را نیز به موقع پرداخت نمی‌کند. کارگران نسبت به این اجحافات اعتراض دارند و خواهان پرداخت حقوقهای عقب افتاده خود هستند.

### \* کارگران بیمارستان بیکار شدند

بیمارستان بهشتی قم تعطیل شد و کارگران آن از کار بیکار شدند. لازم به ذکر است که قبل از تعطیلی این بیمارستان، شماری از کارگران را اخراج نموده و ۵ ماه حقوق سایر کارگران نیز به تعویق افتاده بود که هنوز به کارگران پرداخت نشده است.

### \* دو خبر کوتاه

- روند اخراج‌ها همچنان ادامه دارد. تنها در خزرخز تنکابن در ظرف یکسال گذشته ۴۰۰۰ کارگر اخراج شده اند.

- ذغال سنگ البرز، کارگردیگری را به کام خود فرو برد. قبل از ظهر روز پنجشنبه دوم اسفند ماه، در اثر انفجار گاز در معدن ذغال سنگ البرز غربی، یک کارگر معدن کشته و ۹ کارگر دیگر به سختی مصدوم شدند.

### \* اعتراض کارگران کفش وین

در اعتراض به واگذاری فروشگاههای کفش وین، کارگران شعب مختلف کفش وین در برابر فروشگاه مرکزی توحید، دست به تجمع اعتراضی زدند و مخالفت خویش را با تصمیمات مسئولین اعلام نمودند.

### \* تجمع اعتراضی کارگران در گیلان

هزاران تن از کارگران واحدهای تولیدی گیلان، با تجمع در برابر خانه کارگر، خواستار افزایش دستمزدها شدند. کارگران نسبت به نحوه افزایش حداقل دستمزد ها که معنایی جز کاهش دستمزدهای واقعی آنان نیست اعتراض دارند و خواستار آن هستند که هنگام افزایش حداقل دستمزدها، افزایش قیمت‌ها، نرخ واقعی رشد تورم و سایر متغیرهای دخیل در این مسئله در نظر گرفته شود.

### \* اعتراض کارگران نسبت به

### در صد ناچیز افزایش دستمزدها

به دنبال زمزمه افزایش ۱۵ تا ۱۶ درصدی حداقل دستمزد کارگران، کارگران در صدها کارخانه و واحد تولیدی در سراسر کشور، نسبت به این مسئله اعتراض کردند و روز چهارشنبه نیم ساعت قبل از پایان ساعت کاری، در برابر واحدهای تولیدی خود، دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواستار حداقل دستمزد براساس ۹۱ هزار تومان شدند.

### \* کارگران جاده را بستند

جمع زیادی از کارگران فوکا صنعت همدان، در اعتراض به وضعیت معیشتی و حقوقی خود دست به اعتراض زدند. کارگران روز پنجشنبه ۱۶ اسفند به مدت ۱۵ دقیقه جاده اصلی همدان - کرمانشاه را مسدود ساختند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

ابائی ندارد که تمام این مردم را کشتار و نابود کند. او برای پیشبرد اهداف و مقاصد توسعه طلبانه، سرکوبگرانه، نژاد پرستانه و ارتجاعی خود، از همان نخستین روزی که زمام دولت اسرائیل را به دست گرفت هدف خود را در وهله نخست برهم زدن تمام توافقاتی قرار داد که پیش از او در کنفرانس‌های مادرید و اسلو به دست آمده بود. او توافقات دولت قبلی را با عرفات و جنبش آزادیبخش فلسطین زیر پا نهاد و حملات نظامی و سرکوبگرانه به مردم فلسطین را تشدید نمود. ادعا می کرد که بدین طریق می تواند امنیت را برقرار و هر صدائی را خفه کند. اما با هر اقدام سرکوب گرانه و توسعه طلبانه او روشن شد که این ادعا جز یک خواب و خیال چیز دیگری نیست. حالا دیگر مردم اسرائیل در خانه های خود نیز احساس امنیت نمی کنند. گسترش عملیات انتحاری، نشانه شکست کامل سیاستهای دار و دسته شارون بود. اشغال مجدد مناطق فلسطینی و ته مانده آنها در چند روز اخیر نیز بیان چیز دیگری جز همین شکست نیست. در واقع او با این آخرین اقدام خود زمینه را برای کنار رفتن فراهم می کند که کابینه جانشین وی از حزب کارگر، گویا از موضوعی بالا با عرفات و دیگر سران حکومت خود مختار فلسطین وارد مذاکره شود. آنچه که اکنون در مناطق اشغالی فلسطین می گذرد نتیجه سیاست مشترک آمریکا و اسرائیل، لیکود و حزب کارگر و فرستاده آمریکا به منطقه آنتونی زینی ست. شارون به آمریکا وعده داده است که با این اقدام نظامی، آتش بس موعود را برای پیشبرد سیاست - های فرستاده ویژه آمریکا به منطقه هموار خواهد کرد و به متحدین خود از حزب کارگر نیز وعده داده است که بدین طریق شرایط را بنحوی فراهم می آورد که حکومت خود مختار فلسطین تسلیم پیشنهادات کابینه آتی گردد. اما در این عرصه نیز او با شکست روبرو خواهد شد. چرا که اولاً اشغالگری پیشاپیش به معنای جنگ است و نه آتش بس. از این رو آتش بسی درکار نخواهد بود. ثانیاً - شکست سیاست های شارون و حزب لیکود به معنای شکست سیاست های حزب کارگر نیز خواهد بود. اگر شارون نتوانست بدیلی برای شکست سیاست های حزب کارگر باشد، این بدان معناست که هیچ راه حلی برای مسئله فلسطین وجود نخواهد داشت مگر آنکه حق این ملت در تعیین سرنوشت خود به رسمیت شناخته شود.

با کمک های مالی خود سازمان را یاری رسانید

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

## مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۰)

تسلط داشته باشد. " حزب سوسیالیست، از سوی دیگر بر بی‌طرفی حزب نسبت به امور اتحادیه‌ها تأکید داشت. حتی جناح چپ حزب سوسیالیست تحت رهبری "اوژنی. و. دیس" در حالی که از پذیرش تمایز کامل بین فعالیت حزبی و اتحادیه‌ها سرباز می‌زد، با این وجود از این اصل پیروی می‌کرد که اتحادیه‌های کارگری و حزب سوسیالیست هستی‌های جدا گانه‌اند. به این معنا که هر یک وظیفه مشخصی دارند و باید از دخالت در امور یکدیگر خود-داری نمایند. (فونر- جلد ۳ ص ۳۷۲)

فرض بر این بود که حزب سوسیالیست باید فعالیت در زمینه اقتصادی را به رهبری اتحادیه و آگذار کند و خود را وقف آموزش خواهران و برادران خود کند تا به حزب سوسیالیست رای دهند. لذا حزب می‌کوشید که حمایت کنوانسیون سالانه AFL (فدراسیون کارگری آمریکا) را از قطعنامه‌های خود، آنها را تهیه می‌کرد به دست‌آورد که عمده‌ترین مسئله این قطعنامه‌ها به سرنگونی نظام مبتنی بر دستمزد و برقراری جامعه‌ای مبتنی بر مالکیت اجتماعی ابزار تولید اختصاص یافته بود. این حزب به ندرت با مسئله سازماندهی سازمان نیافته‌گان برخورد می‌کرد. بهرغم این که حزب سوسیالیست از اتحادیه‌گرائی صنفی دفاع می‌کرد، معهدا با AFL هم موافقت نشان می‌داد و از محکوم کردن آشکار اتحادیه‌گرائی صنفی سر باز می‌زد. اما بسیاری از اعضای جناح چپ حزب سوسیالیست از مشی عدم دخالت در امور اتحادیه‌ای پیروی نکردند. تا سال ۱۹۱۲ بسیاری از فعالین برجسته IWW از جمله "بیگ‌بیل‌های وود" عضو حزب سوسیالیست نیز بودند.

در جناح راست حزب، بسیاری از رهبران کاملاً راسیست بودند. از جمله "ویکتور - ل - برگر" اولین سوسیالیستی که به پارلمان رفت، می‌گفت: هیچ شکی نیست که سیاهان و رنگین پوستان یک نژاد پست تر را تشکیل می‌دهند" (همانجا - ص ۳۸۱)

یکی از رهبران معروف زن حزب سوسیالیست به نام "کیت اوهارا" در سندی تحت عنوان "برابری سیاهان" نوشت که "سوسیالیستها در صددند سیاهان را در جایگاهی قرار دهند که قادر به رقابت با سفید پوستان نباشند." وی نوشت که مسئله نژادی تنها یک راه حل دارد و آن "جدا سازی" است.

" یک سوسیالیست اوکلانهای حتی اصرار داشت که جداسازی بعد از مرگ نیز وجود دارد. او یک "بهشت سیاه پوستان" را به تصویر کشید که به یک قاچ هندوانه تشبیه شده بود و با درخت‌هایی که سایه انداخته، صحنه‌های رقص و امکانات تفریحی دیگری که در آنجا سیاه پوستان می‌توانستند به

رقص و پایکوبی بپردازند و تا ابد فریاد بکشند به آن شکل داده شده بود. این منظره در جزوه‌ای تحت عنوان "چرامن یک سوسیالیست؟" ترسیم شده بود. ( سوسیالیسم آمریکائی و سیاه پوستان آمریکائی- صفحات ۲۲۵- ۲۲۲)

در کنفرانس ۱۹۱۰ حزب سوسیالیست، "ارنست اونترمان" ( مترجم کاپیتال مارکس به انگلیسی) آنچنان به افراط کشیده شد که اظهار داشت هر تلاشی برای مبارزه با پیشداوری‌های نژادی، "خیانت به اصول سوسیالیستی است.

" ایرا لیپنيس" نویسنده تاریخ حزب بر این عقیده است که حتی جناح چپ بهرغم موضع تئوریک اش در دفاع از برابری سیاهپوستان، در واقع امر، تلاشی برای استفاده از حزب در مبارزه برای احقاق حقوق سیاهان به کار نبرد.

" ترکیب خرده بورژوازی حزب سوسیالیست، باعث می‌شد که عدم مداخله در امور اتحادیه - ها، سهل‌ترین شق ممکن باشد. در کنفرانس ۱۹۱۲، بزرگترین گروه از میان ۱۹۳ نماینده، ۳۲ نفر روزنامه نگار، ۲۱ مدرس (دانشیار) ۲۰ وکیل، ۱۲ شهردار، ۱۱ کارگزار تمام وقت حزب بود. یک گروه ۶۰ نفره دیگر از کارخانه داران، دلالان مستغلات، تجار، نویسندگان واسقف‌ها (کشیش‌ها) پزشکان و دندان پزشکان بودند. همچنین ۱۱ کارمند، ۱۰ دهقان و ۷ زن خانه دار در میان شرکت کنندگان بودند. مابقی کارگران ماهر از جمله نجار، مکانیک و برق کار بودند." (لیپنيس - صفحه ۳۹۷)

در سال ۱۹۰۶، "ویلیام - آ. آرنولد" کاندیدای حزب سوسیالیست برای شهر داری Milkwaukee اعلام نمود که: . . . منافع اقتصادی و Milkwaukee تحت مدیریت سوسیال دمکراتها- امن تر از جمهوریخواهان و دمکراتها تامین خواهد بود. آرنولد به رای دهندگان اطمینان داد که او خودش مالک است و مالیات پرداخت می‌کند، لذا بدیهی است که نمی‌خواهد شخصا به اقتصاد شهر لطمه وارد آورد. ویکتور. ل. برگر که در بالا به تمایلات راسیستی او اشاره کردیم، به صاحبان صنایع شهر اطمینان داد که هر رای به حزب سوسیالیست، رای علیه اعتصاب است. چرا که Milkwaukee تعداد کمتری از اعتصابات را ظرف ۷-۶ سال در مقایسه با شهرهایی که به لحاظ وسعت، نصف آن بودند، داشته است و این امر نتیجه نفوذ سوسیالیستها در اتحادیه‌های میکواکی است. " من براساس تجربه اخیر، می‌توانم بگویم که سوسیال دمکراتها در این شهر، تقریباً با هر اعتصابی که در اینجا اعلام شد، مخالفت کرده‌اند." (همانجا - صفحات ۱۷۰ - ۱۶۹)

درچنین وانفاسائی آن عده ازاعضاء حزب سوسیالیست که خواهان سازماندهی توده های محروم و بی‌حقوق بودند، به سوی IWW روی آوردند. اخراج "بیگ بیل" ازبخش اجرائی حزب سوسیالیست و استعفای وی از حزب، موجب کناره گیری هزاران تن از اعضای حزب شد و تعداداعضاء حزب را که قبل ازکنوانسیون ۱۹۱۲، ۱۵۰۰۰۰ تن بود، درژوئن ۱۹۱۳ به ۷۸۰۰۰ کاهش داد. هزاران تن دیگر از طرفداران جناح چپ، طی ماههای پس از آن اخراج شدند و حزب قدرت خود را از دست داد.

حزب سوسیالیست علاقه‌ای نسبت به زنان کارگرکه ازحق رای محروم بودند، نداشت. "ایرا لیپنيس" ادعا کرده است که: " حزب توجه بیشتری برای جلب حمایت کشیشان پروتستان از خود نشان می‌داد تا برای جلب جوانان یا زنان" ( همانجا- صفحه ۲۶۶)

در واقع بیش از ۳۰۰ کشیش عضو حزب بودند. جهت‌گیری حزب بیشتر به سوی AFL بود تا IWW و همین امر ارتباط مؤثر با زنان کارگر را در مبارزه مشکل تر می ساخت.

زنان حول وحوش حزب سوسیالیست عمدتاً همسران اعضای حزب بودند. آنها دریک گروه مستقل سمپات حزب، گرد آمده بودند. ( فمینیسم و سوسیالیسم - تز دکترای م . بول ۱۹۷۴) فعالینی که در گروههای حزب سوسیالیست، نقش کلیدی داشتند، در واقع همان فعالین سابق کلوب‌های زنان بودند که به نشست و برخاست با زنان بورژوا و گروههای بحث محدود، عادت کرده بودند. تمایلات درون گروه برهنگونه امکان عضو گیری برای انجام یک کار سیاسی فعال سایه افکنده بود. " زنان سوسیالیست سانفرانسیسکو، کلوب "ویلیام موريس" را تشکیل دادند و شعار خود را چنین اعلام نمودند: " ما برای بنای دنیای رفافت، دنیایی درآزادی، هنر و دوستی تلاش می‌کنیم." آنها آموزش را، ایده آل خود می دانستند و بر توسعه درک زنان ازبیان کامل یک زندگی متمرکز شده بودند. ( همانجا- ص ۳- ۱۳۲) در حالی که آنها، حمایت و وفاداری خود را نسبت به حزب سوسیا - لیست ابراز می‌داشتند، ترجیح می‌دادند که در میان خود، آگاهی از فردیت خود را تعمیق ببخشند." ( همانجا - ص ۱۱۴)

قرارتاب‌تاین گروه، این بود که هر دو هفته یک بار، جلسه سخنرانی در خانه اعضای تسهیلات منطقه ای بود: گروه سرود و رقص، کلوب بحث پسران، مدارس سوسیا - لیستی یکشنبه‌ها (که در آن تمرینات و ترانه های سوسیالیستی فرا می‌گرفتند)، کتابخانه های سیار، ازجمله فعالیت‌های معمول در بسیاری از مناطق کشور بودند. در نواحی شهری، فعالیت ها معمولاً کار تبلیغی و سیاسی عمومی بود. زنان



## اخبار کارگری جهان



### اعتصابات کارگری در هلند

به دنبال حملاتی که به دست آورده‌ای کارگران در هلند آغاز شده است؛ موجی از اعتصابات کارگری در نیمه دوم مارس در هلند به راه افتاد. بیش از ۱۵ هزارتن از کارگران فیلیپس به منظور دریافت ۳/۵ درصد اضافه دستمزد، روز ۲۸ مارس دست از کار کشیدند و به تظاهرات پرداختند. در این روز کارگران ۱۲ شعبه از کارخانه فیلیپس به اعتصاب دست زدند. این بزرگترین تظاهرات کارگری پس از جنگ جهانی دوم در هلند بود. کارگران هشدار دادند چنانچه به‌خواستشان رسیدگی نشود، طی ماه‌های آینده به اعتصابات مشابهی دست خواهند زد.

کارگران بخش ساختمان در هلند نیز در اعتراض به قطع هزینه رفت و آمد به محل کار، روز ۲۷ مارس دست از کار کشیدند و در شهر "اترخت" تجمع کردند. بیش از ۱۷ هزار کارگر شاغل در این بخش با حرکت اعتراضی خود، ۳۰ کیلومتر ترافیک ایجاد نمودند و با توزیع تراکت در مسیر، خواستها و مطالباتشان را به گوش همگان رساندند. این حرکت اعتراضی کارگران ساختمانی طی ۱۰ سال گذشته در هلند بی‌سابقه بوده است.



## ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد

رژیم جمهوری، اسلامی زنان را در معرض بیرحمانه ترین و وحشیانه ترین شکل ستم، تبعیض و فشار قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی، با وضع قوانین و مقررات ارتجاعی و با ایجاد محدودیت‌ها و تضيیقات مختلف، زنان را از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک، مدنی و انسانی خود محروم نموده و به یک شهروند درجه دو تبدیل کرده است.

### سازمان فدائیان (اقلیت) میگوید:

- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید فوراً ملغا گردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار گردند.
- تمام قوانین و مقررات مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه، مقررات مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در موسسات و مراکز عمومی، و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به فوریت ملغا گردند.
- باید هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده ممنوع گردد و مجازات شدید در مورد نقض آنها اعمال شود.
- زنان باید از حقوق و مزایای برابر و کامل با مردان در ازای کار مساوی برخوردار باشند.
- زنان از امکانات و تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاهها و مهد کودکها در محل کار و زندگی برخوردار باشند.
- به زنان باردار یکماه قبل و سه ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق و با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان، مرخصی داده شود.
- کار زنان در رشته‌هایی که برای سلامتی آنها زیان‌آور است ممنوع شود.

### سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران



## ستون مباحثات

- \* کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کا ربه ابراز نظرات مدافعین سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاصی یابد.
- \* مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می گردد.
- \* هر مقاله ای که برای درج در این ستون ارسال می گردد حداکثر می تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه یا در دو صفحه نشریه کار باشد.

### انشعاب در تحکیم وحدت

تحکیم وحدت در جراید، هرسه بخش درگیر در این مشاجرات (دو جناح تحکیم وحدت و رژیم) تحریف تاریخ و دروغ پردازی در باره علل این مشاجرات و نقش طرف مقابل در این کشمکش - ها را جایگزین واقعیت ها و علل اصلی این انشعاب کردند. رژیم ادعا کرد که در این میان بی طرف است و نقشی بیش از انجام وظیفه و حفظ آرامش نداشته است. هر یک از دو جناح تحکیم وحدت نیز تنها خود را "قانونی" مبارز و پیشرو و طرف مقابل را "قانون شکن" و "نفوذی" خوانده و دانشجویان را به حمایت از خود فرا خواندند.

علیرغم ادعاهای رهبران امروزی انجمن های اسلامی تحت پوشش تحکیم وحدت مبنی بر استقلال و پیشاهنگی در جنبش دانشجویی ایران، این انجمن ها، هرگز نه پیشرو و از آن مهم تر، هرگز مستقل از قدرت حاکم نبوده اند. بیان علل این درگیری ها از زبان رهبران این انجمن ها نیز مهر تأییدی ست بر این ادعا. تلاش برای کنترل دانشگاه ها و دانشجویان از همان فردای انقلاب از اهداف و آرزوهای رژیم بوده است. تاریخ مبارزات دانشجویان نشان می دهد که در سالهای اولیه قیام و تا سال ۶۰، دانشگاهها تماما در اختیار دانشجویان پیشگام و پیشرو قرار داشت. اتفاقا در آنروزها نیز اختلاف بین رئیس جمهور وقت و حزب جمهوری اسلامی به شدت بالا گرفته بود. اما زمانی که سرکوب دانشجویان مترقی و انقلاب فرهنگی و جایگزین کردن تشکل های پیشرو و واقعی دانشجویی با انجمن های اسلامی در دستور کار قرار گرفت، بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی اختلافات خود را کنار گذاشتند و با توطئه ای سازمان یافته، حمله به دانشگاه را در دستور کار مشترک خود قرار دادند. اولین یورش فیزیکی و علنی حاکمیت به دانشگاه تهران بود که صدها زخمی و کشته بر جای گذاشت. این انجمن ها تنها برای مبارزه با تشکل های دانشجویی مبارز و مترقی که از همان اوان انقلاب به وجود آمدند، توسط رژیم سازماندهی شدند. جاسوسی و لو دادن دانشجویان و استادان مبارز دانشگاهها که به دستگیری بسیاری از دانشجویان و دانشگاهیان آزاده در دانشگاهها انجامید، از اولین خدمات این انجمن ها به رژیم بوده است. بی طرفی در امور مربوط به دانشگاهها نیز دروغی بیشرمانه است. امام جمعه تهران در فروردین ۱۳۵۹ ضرورت اداره دانشگاهها توسط " دانشجویان مسؤل " را مورد تأکید قرار داد. روز بعد در ۲۶ فروردین، حجت الاسلام دکتر باهنر، اظهار داشت "دانشگاههای ما هنوز نتوانسته اند برنامه ریزی و دگرگونی متناسب با انقلاب و فرهنگ اسلامی انجام دهند و ضرورت دارد که دگرگونی اساسی در کل دانشگاههای ما به وجود آید و لو به قیمت این که مدتی این دانشگاهها تعطیل باشند. (جمهوری اسلامی ۵۹/۱/۲۷) با این زمینه سازیها، فرمان حمله به دانشگاهها صادر شد. به دنبال سخنرانی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در دانشگاه تبریز، ساختمان مرکزی این دانشگاه به وسیله دانشجویان " انجمن اسلامی " تصرف شد. (کارشماره ۷۷ صفحه ۳) تشکیل انجمن های اسلامی از اولین اقدامات رژیم برای کنترل دانشگاهها و دانشجویان بود. اما با گذشت بیش از ۲۰ سال، رژیم کماکان قادر نیست کنترل دانشگاهها را به دست گیرد. انجمن های اسلامی که خود زمانی از طرف همین رهبری مامور پاکسازی دانشگاهها از پیشگامان و دانشجویان مترقی و انقلابی و جایگزینی آنها

کشمکش های دورنی دفتر تحکیم وحدت که در ماهها و هفته های اخیر زرمه هائی از آن در برخی روزنامه های رژیم و با اطلاعاتیه های تحکیم وحدت دیده می شد، با گزارشهایی که از نشست در شیراز که با حضور بخش اقلیتی از رهبران این دفتر برگزار گردید، جنبه کاملا علنی به خود گرفت. در ادامه، سران نشست شیراز که از برگزاری کامل نشست خود در شیراز به علت عدم همکاری مسئولین دانشگاه برای صدور مجوز برای محل برگزاری این نشست باز مانده بودند، سعی کردند وارد دفتر تحکیم وحدت در خیابان ولی عصر، کوچه رجب بیگی در تهران شده و کنفرانسی مطبوعاتی تشکیل دهند که با ممانعت جناح مقابل روبرو شدند. درگیری لفظی و فیزیکی اعضای دو جناح بهانه ای شد تا نیروهای همیشه حاضر نظامی دخالت کرده و تعدادی از دانشجویان و سران (ظاهرا فقط یک جناح) را دستگیر کرده و روانه زندان کنند. جناح اقلیت یک بار دیگر سعی در برگزاری کنفرانسی مطبوعاتی داشت که این بار نیز با دخالت ماموران نظامی و به دلیل نداشتن مجوزهای قانونی، از برگزاری این کنفرانس ممانعت به عمل آمد.

با آنکه اکثریت هفت نفره رهبری، اقلیت چهار نفره از رهبری و شرکت کننده در نشست شیراز را نفوذی، غیر قانونی و فاقد صلاحیت می دانند، اما خود نیز اذعان دارند که این انشعاب تبلور حاکمیت دو گانه در ارگانهای رهبری کشور دارد. اکبر عطری از جناح اکثریت و یا آنچه که روزنامه کیهان، طیف ملی گرای این دو طیف می خواند، در کنفرانسی مطبوعاتی که در روز سه شنبه (روز بعد از درگیری دو جناح) در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، علت انشعاب را درجملات زیر خلاصه کرد: " شکاف حاکمیت دو گانه در حال شناخته شدن است و جامعه دانشگاهی نیز از این مسئله تاثیر پذیرفته است." در ادامه همین جلسه، سیاوش افصلی، عضو سابق شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، با بیان اینکه تفکری در جامعه با وجود گروههای مستقل مخالف است، گفت: " دفتر تحکیم وحدت از سالهای ۶۷ - ۶۸ که تقریبا مستقل شده است، تحت فشار بوده و همواره سعی در موازی سازی با آن و غالب کردن افرادی در این تشکل شده است." دکتر عامری نسب، از جناح اکثریت نیز در تأیید سخنان عطری، این انشعاب را نتیجه حرکات جریان نفوذی و وابسته به جناح رهبری در حاکمیت دانسته و اهداف جناح اقلیت را این چنین توضیح می دهد: " بیش از این یک بخش از جریان محافظه کار تلاش داشته تحکیم را در خط خود نگه دارد و اگر نشد حذف کند. با توجه به این که الان حس می کنند با دو گانه کردن تحکیم و ایجاد شورای مرکزی پوشالی با نام و پوشش تحکیم مواضع خیانتکارانه را بگیرند که در نهایت امر به ریشه و اعتباریک تشکل دانشجویی ضربه بزنند. " حمایت صدا و سیما و پوشش دادن اخبار نشست شیراز نیز تنها از این رو قابل تبیین است. عامری نسب ضرب و شتم دانشجویان در جریان اخیر بسته شدن دفاتر تحکیم وحدت را یادآور حمله به کوی دانشگاه در ۱۸ تیر دانست. با وعده جناح اکثریت برای برگزاری نشست سراسری و بستن و پلمب کردن درهای دفاتر تحکیم وحدت از طرف نیرو - های انتظامی تا پایان حل اختلافات!! طرفین دعوا به آتش بسی هر چند اجباری تن داده اند. با انتشار اخبار بسته شدن دفاتر

## ازصفحه ۱

با سامانه های تحت رهبری بودند، خود امروز به مزاحمی برای همان جناح منسوب به رهبری تبدیل شده اند.

تفاوت امروز با روزهای فروردین ۱۳۵۹ فقط در تفاوت ماهوی انجمن‌های اسلامی با تشکل‌ها و دانشجویان پیشگام سالهای اولیه انقلاب است. جناح محافظه کار رژیم اکنون نیز به رئیس جمهور خود اختلافاتی درون خانوادگی دارد. در ادامه تثبیت قدرت مطلق‌العنان جناح خامنه‌ای - رفسنجانی، بعد از تعطیل کردن اکثریت قریب به اتفاق روزنامه های منسوب به جناح مخالف، زندانی و خاموش کردن نمایندگان مجلس، اینک یورش خود را به یکی از آخرین سنگرهای مدافع دوم خردادیها، یعنی دفاتر تحکیم وحدت، آغاز کرده است.

رژیم که تجربه مبارزاتی دانشجویان از آغاز قیام تا به امروز را فراموش نکرده، به تجربه این واقعیت را آموخته است که مبارزات دانشجویان به سرعت با مبارزات جاری طبقاتی کار - گران و زحمتکشان گره می خورد و به جنبشی عمومی برای سرنگونی کل رژیم تبدیل می گردد. (همانطور که بارقه هایی از آن در روزهای بعد از حمله به کوی دانشگاه دیده شد) از همین جاست که جناح محافظه کار رژیم، کمر به تکمیل آنچه که در ۱۸ خرداد آغاز کرده بود، بسته است. عقیم کردن دفاتر تحکیم وحدت دو هدف جناح خامنه‌ای را در آن واحد برآورده می سازد. اولاً جناح غالب حاکمیت تحمل طرفداری انجمن هاب اسلامی از جناح رئیس جمهور خود را ندارد کما این که تضعیف دفاتر تحکیم وحدت، تضعیف جناح خاتمی نیز می باشد. در ثانی، کنترل دانشگاه ها به عنوان یکی از اصلی ترین پایگاه های مبارزات به حق توده ها، فی نفسه همواره به نفع رژیم های خود کامه می باشد. از همین روست که جناح غالب حاکمیت با تحمیل این انشعاب به تحکیم وحدت، در کنار سیاست های علنی فشار به دانشجویان و دانشگاهیان، امروزه جبهه جدیدی را در "درون" تحکیم وحدت برای خود گشوده است.

تاریخ مبارزات دانشجویان در دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی نشان می دهد که رژیم های سرمایه داری ابائی از حمله ویا حتی بستن دانشگاهها ندارند. اما روی دیگر سکه، تجاربی تاریخی ست که دانشجویان مبارز ایرانی با توسل به آنها می توانند، نقش فعال خود را در زمینه مبارزات طبقاتی جاری در ایران ایفا کنند. از مهم ترین درس ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- به هیچیک از جناح های رژیم نمی توان و نباید چشم امید دوخت و رژیم جمهوری اسلامی را باید با اعتصاب عمومی سیاسی و مبارزه مسلحانه سرنگون کرد. این خود نیاز به اشکال مبارزاتی متفاوتی دارد که بعضی از آنها از طرف رژیم به ما تحمیل می گردند، پیشاپیش هیچیک از اشکال مبارزاتی را نمی توان از دستور کار خارج کرد.

۲- حتی اگر پایگاه طبقاتی دانشجویان را به حساب نیاوریم، به علت مقطعی بودن دوران دانشجویی (در بهترین حالت) نیز تئوری انقلاب نمی تواند در دانشگاهها تدوین گردد. از اینجاست که مبارزات دانشجویی برای مداوم و پویایی احتیاج به پیوند با کل جامعه و سازمانهای سیاسی پیشرو جامعه دارد.

۳- بدون تشکل های دموکراتیک، مستقل و مخفی، مبارزات دانش جوین محکوم به خرده کاری و یا لو رفتن و تلاشی می باشد. با حادث شدن مبارزات طبقاتی، سازماندهی مخفی بیش از هر زمان دیگر در دستور کار قرار دارد.

۴- در عصر ما مبارزه برای دموکراسی و آزادی نمی تواند جدا از مبارزه علیه سرمایه داری و نهادهای حکومتی آن (مثلاً مجلس موسسان) و یا خواست جدائی دین از سیاست باشد.

۵- حکومتها همواره در مقابل خواسته های دانشجویان، زمانی که این خواست ها متشکل و سراسری ابراز شده اند، حتی اگر مقطعی، مجبور به عقب نشینی شده اند.

## غرور مردانه

کارگر سفید پوست،

به زنی که کنارش ایستاده بود، گفت:

«نیم گزی فروتر از من بایست،

تا جهان غرور مرا ببیند.»

زن سفید پوست،

به مرد سیاهپوست کنار دستش گفت:

«بعد از او من از همه بهترم

تو نیم گزی پائین پای من بایست،

تا خلق بدانند که زنان را نیز غروری هست.»

مرد سیاهپوست،

به زن سیاهپوست رو کرد و گفت،

«تو چرا نیم گزی پائین نمی روی:

مرا هم، آخر، اندک غروری باقی مانده است؟»

زن سیاهپوست

به مرد دورگه نگاهی افکند

که می گفت:

«جای خود را بشناس،

چرا که غرور من نیز باید حفظ شود.»

و بدین سان

درجه بندی ادامه یافت،

سایه به سایه

رو به سرازیری،

تا پلکانی از انسانیت شکل گرفت،

در برابر آن که چشم بصیرت داشت.

و برفراز این پلکان،

بالا تر و بالاتر، همچنان،

سرمایه دار هفت رنگ بر صحنه آمد،

با صولتی تمام، اما با چهره ای مهربان،

و تبسمی بر لب،

رو به بالا گام برداشت،

بالا تر و بالاتر، همچنان،

و گامهایش از طنین سنگینی و وقار سرشار بود.

به اوج رسید و ایستاد،

پا بر سر کارگر سفید پوست.

سراینده: برت وارد

ترجمه: احمد کریمی حکاک

## مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۰)

در تعارض قرار گیرند، یک قطعنامه تصویب نمودند که به موجب آن هر شاخه حزب و جنبش زنان مجاز شمرده شد که تاکتیک خود را در مورد همکاری با NAWSA خود تعیین نماید. بسیاری از شاخه‌ها، بمثابه جزئی از NAWSA به فعالیت خود ادامه دادند.

\* شماره آینده، به جمع‌بندی مبحث مربوط به جنبش زنان آمریکا، اختصاص دارد.

## از صفحه ۸

## اعتراضات جهانی

## به کشتار فلسطینیان توسط دولت اسرائیل

فعالین جنبش صلح به همراه اعضاء و هوا داران سازمانهای چپ اسرائیل، روز ۳۰ مارس در مقابل وزارت دفاع اسرائیل به تظاهرات پرداختند و خواهان خروج اسرائیل از مناطق اشغالی شدند.

گروهی از تظاهر کنندگان ایتالیایی مقیم این مناطق نیز، به رودر رویی با ارتش اسرائیل پرداختند و خود را به طور سمبلیک به سیر مردم فلسطین بدل کردن و بدین وسیله انزجار خود را از کشتار به نمایش گذاشتند.

\* - در هند جبهه دمکراتیک جوانان هند که بخش جوانان حزب کمونیست - مارکسیست این کشور است، تظاهراتی در مقابل کنسول - گری آمریکا برگزار نمود و خواهان توقف فوری کشتار مردم بی دفاع فلسطین شد.

\* - روز ۲ آوریل هزاران تن در آنکارا - ترکیه در مقابل سفارت اسرائیل به تظاهرات پرداختند.

\* - دهها هزار تن در توکیو - ژاپن روز اول آوریل ضمن راهپیمایی در مرکز شهر، جنایات دولت اسرائیل را محکوم نموده و خواهان قطع فوری کشتارها شدند. در جریان این تظاهرات، یکی از تظاهر کنندگان در اعتراض به وقایع اخیر، خود را به آتش کشید.

\* - هزاران تن در Dearborn در ایالت میشیگان آمریکا روز اول آوریل دست به تظاهرات زدند و خواهان خروج فوری اسرائیل از مناطق اشغالی شدند.

\* - در مادرید - اسپانیا و آتن - یونان و دهها شهر دیگر در سراسر جهان نیز هزاران تن با برپایی تظاهرات و راه پیمایی، جنایات دولت اسرائیل علیه فلسطینیان را محکوم کردند.

از طبقه کارگر مربوط می شوند. . . هر زن متوسطی میداند که مثلاً "جانی" باید سالانه چند جفت کفش داشته باشد، چقدر شکر در خانه مصرف می‌شود و زن، هرگاه قیمت کالا - ها بالا رود، لباس کمتری خواهد داشت. اگر شما بتوانید به او دقیقاً نشان دهید که چه رابطه‌ای میان مدیریت سناتور "بینگ" با اقتصاد خانگی او وجود دارد، نفعی در آن خواهد یافت.

نوع سوسیالیسمی که جنبش زنان سوسیا - لیست موعظه می‌کرد، هیچ قرابتی با مبارزه طبقاتی نداشت. این نوع سوسیالیسم محصول احساسات زنانه و عشق بود: "رفقای خواهر، آیا هیچگاه به این فکر کرده اید که این وظیفه زنان است که بهجهان عشق بورزند، و آیا ما عشقمان را نادیده گرفته‌ایم و از آن غفلت کرده ایم که نتیجه آن با بی‌خردی مردان ترکیب شده است، مارا به وضعیت کنونی رسانده است؟"

مهمترین فعالیت سیاسی جنبش زنان سوسیا - لیست، کارزار حق رای زنان بود. طی این کمپین زنان سوسیالیست با NAWSA که یک سازمان بورژوائی فمینیستی بود و در آن زمان آشکارا راسیست و خارجی ستیز و ضد طبقه کارگر بود، همکاری کردند. در همکاری با NAWSA، زنان سوسیالیست آمریکا، تصمیم‌کننده اشتوتگارت انترناسیونال سوسیالیستی در ۱۹۰۷ را به باد استهزا گرفتند. کنگره اشتوتگارت می‌گفت: "زنان سوسیالیست این مبارزه برای برابری کامل یا حق رای را در اتحاد با زنان طبقه متوسط طرفدار حق رای پیش نخواهند برد، بلکه آن را مشترکاً با احزاب سوسیالیست پیش خواهند برد که بر حق رای زنان به عنوان یکی از مهمترین رفرم‌های اساسی برای دمکراتیزه کردن کامل حق رای به طور کلی، اصرار می‌ورزند.

امارهبران جنبش زنان سوسیالیست آمریکا، استدلال می‌کردند که حق رای یک مسئله طبقاتی نیست. پس از خیانت به اعتصاب کمربند دوزان در نوامبر ۱۹۰۹، اعضاء رهبری‌کننده جنبش زنان سوسیالیست در نیویورک تصمیم بر گسست از زنان بورژوائی طرفدار حق رای گرفتند. در نتیجه، در دسامبر ۱۹۰۹، کنفرانس نیویورک زنان سوسیالیست، تصمیم بر این گرفت که فعالیت زنان سوسیا - لیست برای کسب حق رای، باید بر مبنای یک خط مشی مستقل و مجزا، از طریق سازمان اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر انجام بگیرد و لذا از NAWSA جدا شد. (Buhle - صفحات ۶۱-۲۵۹) این اقدام مورد حمایت و تأیید چندین شاخه زنان در سراسر کشور قرار گرفت و از سوی تعدادی دیگر رد شد. در کنگره ملی حزب سوسیالیست در مه ۱۹۱۰، رهبران که نمی‌خواستند با هیچیک از گروههای زنان

سوسیالیست به‌عنوان هیئت‌های نمایندگی همبستگی، در متینگ‌های مربوط به حق رای زنان و کلوب‌های زنان شرکت می‌کردند. (همانجا - صفحات ۷-۱۱۶) بسیاری از اعضاء گروههای زنان، عضو حزب سوسیالیست نبودند. گرچه بسیاری از فعالین آن بودند. حزب به منظور جلوگیری از خروج زنان، در نوامبر ۱۹۱۰، در هفته نامه حزبی موسوم به "توسل به فرد"، خواهان سازماندهی رادیکال زنان سوسیالیست شد. بیانیه اهداف، بیشتر بی‌روح بود: "به سازماندهی نیاز است، سازماندهی آموزش اصول یک سیستم صنعتی عالی تر و از آن چه که اکنون موجود است، سیستمی که بر مبنای اصل طلائی برابری تمام منافع انسانی استوار است. . . از کلیه زنانی که قلبشان برای آزادی و وظیفه می‌تپد، تمام کسانی که به خدا و انسانیت وفا دارند، درخواست می‌شود تا به این مبارزه جهانی برای ارتقاء انسانیت بپیوندند و به عضویت اتحادیه سوسیالیستی ملی زنان" درآیند. (همانجا - صفحات ۲۰-۱۱۹) در سال ۱۹۰۴، کوشش‌های انجام گرفت تا فدراسیونی از تمام گروههای زنان ایجاد شود، اما این تلاش با شکست مواجه شد. یک مجله زنان سوسیالیست (که بعداً زنان مترقی نامگذاری شد) در سال ۱۹۰۷ شروع به کار کرد تا کانونی برای گروههای زنان باشد. طرح این مجله به نحوی ریخته شد که همانند مجله زنان خانه‌دار مجله‌های عامه پسند، اما در یک بسته بندی سوسیالیستی باشد. این مجله در اوج خود، تیراژی برابر با ۱۲۰۰۰ نسخه داشت (Tax) - (صفحات ۸-۱۸۷)

یکسال بعد در سال ۱۹۰۸، گروههای زنان فدراسیون تشکیل دادند. کنفرانس حزب سوسیالیست در آن سال، کمیته ملی زنان حزب سوسیالیست را تشکیل دادند که تقریباً تمامی گروههای زنان در آن شرکت کردند. در همان کنفرانس، هنگامی که حزب هر گونه ادعای انقلابی‌گری رایبه کنار نهاد کار زار را برای حذف چپ آغاز کرد، بلوک راست و مرکز تحکیم گردید. سالن‌های کنفرانس که با عکس مارکس و انگلس تزئین شده بودند، به پرچم آمریکا، مزین گشتند. (لیپنیز - صفحات ۲۱۹-۲۱۵) در کنفرانس همچنین نخستین مباحثه حول مهاجرت انجام گرفت که طی آن، راسیستهای افراطی میدان دار بودند.

جنبش زنان سوسیالیست با زنان نه به عنوان کارگر بلکه به مثابه زنان خانه دار و مصرف کننده مرتبط بود، از همین رو، روزنامه حزب سوسیالیست موسوم به "زنان مترقی" چنین نوشت: "خانه، فرزند، گنجه خانوادگی و خوراک خانه، مسائلی هستند که به هر زنی

## اعتراضات جهانی به کشتار فلسطینیان توسط دولت اسرائیل



با تشدید حملات ارتش اسرائیل علیه فلسطینیان -ها، قتل و کشتار آنها و حبس هزاران تن از اهالی شهرهای مناطق اشغالی، موجی از اعتراضات در سراسر جهان به راه افتاد.

\* - در پاریس روز ۳۰ مارس، هزاران نفر ضمن انجام راهپیمایی، سرکوب و کشتار دولت اسرائیل را محکوم نمودند. در شهرهای لیون، مارسو نیز تظاهرات های مشابهی برگزار شد. در استراسبورگ هزاران تظاهر کننده از کشورهای آلمان، بلژیک و فرانسه گردهم آمده و با راهپیمایی، سرکوب فلسطینیان را محکوم کردند.

- همچنین در روز دوم آوریل از سوی کمیته فرانسوی دفاع از حقوق مردم فلسطین که متشکل از فعالین چپ می باشد، تظاهراتی علیه سیاستهای سرکوبگرانه دولت اسرائیل برگزار گردید.

\* - شهر های برلین، هانوفر، مونیخ، دوسلدورف و اشتوتگارت آلمان نیز شاهد اعتراضات هزاران تن بودند.

\* - در رتردام هلند قریب به هزارتن تظاهر کننده، جنایات دولت اسرائیل را محکوم کردند. در شهر لاهه، در نزدیکی سفارت اسرائیل تظاهراتی برگزار شد که پلیس ۱۲ تن از سازماندهندگان آن را دستگیر نمود.

\* - در پکن پایتخت چین، هزاران نفر در مقابل سفارت اسرائیل اجتماع کرده و کشتار مردم بی دفاع فلسطین را محکوم کردند.

\* - در مصر، دانشجویان با راهپیمایی به سوی سفارت اسرائیل، تنفر وانزجار خود را از سرکوب و جنایات اخیر به نمایش گذاشتند. سفارت اسرائیل مورد حمله دانشجویان واقع شد. در جریان این تظاهرات دهها تن زخمی و دستگیر شدند.

\* - در جنوب لبنان، در کمپ های پناهندگی، هزاران تن به تظاهرات پرداختند و خواهان قطع کشتار و سرکوب شدند.

- همچنین به دعوت "حزب سوسیالیست مترقی" این کشور تظاهراتی در روز ۳۰ مارس در بیروت در مقابل دفتر سازمان ملل برگزار گردید که در آن هزاران تن از جمله پناهندگان فلسطینی ساکن کمپ های پناهندگی در این کشور شرکت داشتند.

\* - در مناطق اشغالی فعالین جنبش صلح طی روزهای متوالی، در همبستگی با مردم فلسطین، تظاهرات های متعددی برگزار کردند. در جریان این اعتراضات، پلیس با حمله به تظاهر کنندگان، مانع از پیوستن تظاهر کنندگان به اهالی و ساکنین مناطق شد.

صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

**آلمان**  
K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
Kar  
Postfach 260  
1071 , Wien  
Austria

**دانمارک**  
I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M . A . M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue L ecurbe  
75015 Paris  
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

**شماره فکس**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

**KAR**

Organization Of Fedaiian (Minority)

No.378 apr 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی